

## بررسی تطبیقی دیپلماسی آمریکا در قبال جنگ عراق علیه ایران و کویت

حسین معین آبادی بیدگلی<sup>۱</sup>

استادیار علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده مسئول)

صیاد صدری علی بابالو<sup>۲</sup>

دانشجوی کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۶/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۱/۲۲

### چکیده

تحولات پی‌درپی منطقه خلیج فارس بعد از سقوط حکومت پهلوی در ۱۹۷۹، به انفجار آن به‌صورت حمله عراق به ایران منجر شد. حمله عراق به ایران نزد کارشناسان سیاست بین‌الملل به جنگ نیابتی آمریکا برضد ایران مشهور شده است که با کمترین هزینه برای طرف اصلی آن، یعنی آمریکا، و خسارات گسترده برای ایران و عراق همراه شد. اقدامات آمریکا در جنگ عراق علیه ایران موجب از دست رفتن اعتبار سازمان ملل متحد در مقام ضامن صلح و امنیت بین‌الملل شد و این زمینه‌ساز اقدامات بعدی رهبر دیکتاتور عراق در تصرف کویت، حمله موشکی به کشورهای عرب حامی آمریکا در خلیج فارس و حتی اسرائیل گردید و برای آمریکا که پس از سقوط شوروی ضامن نظم نوین جهانی شد، این خطر را نمایان کرد که در تسلیح و تحریک عراق بیش از حد افراط کرده است. در این مقاله، نویسندگان در پی بررسی ابعاد اقدامات دیپلماسی آمریکا و اهداف و انگیزه‌های آن در جنگ تحمیلی عراق بر ایران و جنگ عراق بر کویت هستند. یافته‌ها نشان می‌دهد هر دو جنگ حاصل عملکرد بد و منفعت‌جویانه آمریکا و بی‌کفایتی سازمان ملل متحد، بازیگران تراز اول صحنه بین‌الملل، در برداشت از واقعیت‌های روز بوده است.

واژه‌های کلیدی: آمریکا، جنگ، دیپلماسی، عراق، ایران، کویت.

1. moeini@uk.ac.ir

2. gizilbera@gmail.com

بعد از جنگ جهانی دوم و اضمحلال قدرت برتر انگلستان در سرزمین‌های ماورای دریاها، آمریکا بود که با ارزیابی وضع خود و محیط بین‌الملل و با درس گرفتن از دوره بین دو جنگ جهانی، توانست مسئولیتی را که تاکنون برعهده بریتانیا بود، برعهده بگیرد و بر قدرت فائده نسبی در سراسر جهان دست یابد. به موازات افزایش قدرت جهانی آمریکا و توسعه روزافزون آن، این کشور نیازمند حضور در سراسر جهان بود که منافع در حال گسترش خود را محافظت کند؛ بدین سبب، آمریکا نیازمند انرژی‌های فسیلی بود که در کشورهای در حال توسعه ارزان‌تر یافت می‌شد. آمریکا برای به دست آوردن انرژی و نیز رقابت با کمونیسم شوروی، به کشورهای خاورمیانه رو آورد و در صدد دوستی و تقویت دولت‌های آن‌ها برآمد. برطبق سیاست‌های این کشور، ایران بعد از جنگ جهانی دوم، متحد استراتژیک آمریکا شد که می‌توانست در صورت نبود آمریکا در خاورمیانه، مسئولیت تأمین منافع آن کشور را برعهده گیرد.

حمایت‌های آمریکا از دولتی که قبل از انقلاب اسلامی بر ایران حاکم بود، مؤید این مطلب است که آمریکا براساس دکترین‌های «سد نفوذ»<sup>۱</sup>، «انتقام گسترده»<sup>۲</sup> و «دوستونی»<sup>۳</sup> حاضر به دست کشیدن از دولتی در حال سقوط نیست. از نظر آمریکا، با سقوط حکومت محمدرضا شاه پهلوی، ضربه مهلکی به منافع و اعتبار این کشور وارد شده و یکی از اجزای اصلی متحدان آن، از دور خارج شد. بدین ترتیب، مانعی در برابر دسترسی شوروی به منابع فسیلی خلیج فارس برداشته شد. بر همین اساس، از روز اول پیروزی انقلاب، آمریکا با اجرای طرح‌هایی به مقابله با ایران پرداخت که بهترین روش آن ایران‌هراسی و دشمن‌تراشی برای آن و تقویت حکومت و دولت صدام حسین بود که از چند سال قبل، ادعاهای ارضی علیه ایران داشت. ایران که با جانشینی حکومتی انقلابی در آن و به هم ریختن نظم و امنیت، دچار «فروپاشی ساختاری»<sup>۴</sup> شده بود، هدفی آسان برای اجرای نقشه‌های صدام شد و او نیز منتظر فرصتی دیگر نشد و بعد از یک سال و نیم از استقرار دولت جدید، به ایران حمله کرد.

جنگ عراق برضد ایران در سال‌های بعد، موجب اتفاقاتی در منطقه شد که به شدت



1. Containment Doctrine
2. Massive Retaliation
3. Two Column Policy
4. Structural Collaps

متناقض همدیگر بودند. دولت عراق که در دورهٔ تهاجم به ایران تحت حمایت کامل دولت آمریکا بود، بعد از هشت سال جنگ هیچ عایدی به‌دست نیاورده و مانند دولت آلمان در پایان جنگ جهانی اول، قطعنامهٔ صلح با ایران را امضا کرده، منتظر فرصتی دیگر شد که منافع خود را تأمین کند. بدین ترتیب، این کشور دو سال بعد از پایان جنگ با ایران، در یک حملهٔ برق‌آسا، در دو ساعت کویت را اشغال کرد و خواستار به‌رسمیت شناخته‌شدن اقدام خود توسط جامعهٔ بین‌المللی شد. اما آمریکا این بار با تشکیل ائتلاف بین‌المللی به مخالفت و مقابله با عراق پرداخت.

در این مقاله، نویسندگان در پی بررسی تطبیقی دیپلماسی آمریکا در قبال جنگ عراق علیه ایران و جنگ عراق علیه کویت هستند. روش انجام پژوهش توصیفی تحلیلی بوده و به‌صورت کتابخانه‌ای نوشته شده است. سؤال اصلی مقاله بدین قرار است: چه عواملی باعث اتخاذ دیپلماسی آمریکا در قبال جنگ عراق برضد ایران و کویت شد؟ براین اساس، فرضیه این است: وقوع انقلاب در ایران، دگرگونی وسیع در اهداف و کنش‌های آمریکا در منطقه را سبب شده و موجبات تهاجم عراق به ایران و کویت و دیپلماسی فرصت‌طلبانهٔ آمریکا را فراهم کرد.

### مروری بر پیشینهٔ پژوهش

درمورد ابعاد و کم‌وکیف جنگ عراق علیه همسایگانش، آثار متنوعی از نویسندگان داخلی و خارجی وجود دارد. یکی از آثار خارجی بسیار خوب، کتاب ناگفته‌های جنگ عراق با ایران، سوداگری مرگ، اثر کنت آر تیمرمن (۱۳۸۲)، ترجمهٔ احمد تدین، است. نویسنده که به انبوهی از مستندات دسترسی داشته، توانسته است به‌خوبی نحوهٔ تجهیز و همکاری کشورهای مختلف با صدام حسین را نشان دهد. اثر علمی دیگر، مقالهٔ سیدقاسم زمانی (۱۳۷۶) با عنوان «تأملی بر مواضع شورای امنیت در قبال تجاوز عراق به کویت و ایران» است. وی ابعاد مختلف دو جنگ و دخالت قدرت‌ها در روند تصمیم‌گیری سازمان ملل متحد را بررسی کرده است. همچنین گاوس<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «عراق و جنگ خلیج فارس: تصمیم‌گیری در بغداد»، به پیش‌زمینه‌های حملهٔ عراق به کویت و نقش آمریکا در دههٔ ۱۹۸۰ در حمایت از عراق در برابر ایران پرداخته است. نویسنده معتقد است حمایت آمریکا از عراق در جنگ با ایران، موجب یاغیگری این کشور شده است.

1. Gause

## چارچوب نظری دیپلماسی رسمی آمریکا

دیپلماسی فرایند روابط رسمی بین کشورهاست که از آغاز شکل‌گیری کشورها تا پایان قرن بیستم، توسط دولت‌ها و از طریق افراد منسوب به آن‌ها صورت گرفته است. مشخص است که هدف اولیه دیپلماسی دولت‌ها، دولت‌محور است. فضای سیال و شکننده سیاست بین‌الملل موجب ایجاد رفتارهای شکننده و متغیر نیز می‌شود. در این محیط ناامن، دیپلماسی رسمی وظیفه دارد با شناسایی و اولویت‌بندی اهداف کشورها، بهترین راه را مشخص و تدابیری اتخاذ کند تا با کمترین خطر موجبات دستیابی به آن‌ها فراهم شود. مسایل سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نظیر این‌ها از اهداف دیپلماسی رسمی است که مشخص است این اهداف طیف‌های گوناگونی از ابزارها را نیز می‌طلبند. ورود بازیگران جدید نظیر سازمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای و جهانی به سیاست بین‌الملل نیز اوضاع را پیچیده‌تر کرده و چه‌بسا کنش دولت‌ها را گاهی سخت می‌کند؛ اما این به معنای آن نیست که دولت‌ها آزادی عمل خود را به‌طور کامل از دست بدهند. در هر حال، این دیدگاه واقع‌گرایانه اگرچه منتقدان خود را دارد، هنوز در فضای بین‌الملل جاری است.

در این چارچوب، دیپلماسی ایالات متحده در قبال جنگ عراق علیه دو کشور همسایه خود قابل بررسی است. آمریکا با وقوع دگرگونی ساختاری در ایران، به یک‌باره با شوک پیش‌بینی‌ناپذیری مواجه شد و بدین ترتیب، وارد دوره تقابل با کشوری شد که هژمونی آن را در منطقه به شدت زیر سؤال برده بود. مقامات و دیپلمات‌های ارشد آمریکایی، چه در روابط دوجانبه و چه در مجامع بین‌المللی، برای مقابله با ایران از همه ابزارها و امکانات خود استفاده کردند.

## طرح مسئله

در روز ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰، بعد از حمله عراق به ایران، جنگ خونین و پرهزینه‌ای شروع شد و به‌رغم تلاش‌های بین‌المللی، این جنگ تا اگوست ۱۹۸۸ طول کشید و تا آن تاریخ همه آن تلاش‌ها به شکست انجامید و خسارات زیادی به‌خصوص به ایران وارد آمد. علاوه بر این، ارتش عراق بارها از سلاح شیمیایی، نه تنها علیه نظامیان و غیرنظامیان ایرانی استفاده کرد، بلکه علیه مردم عراق که از نیروهای ایرانی در هنگام ورود به شهرهای عراق حمایت کرده



انجمن مطالعات جهان اسلام  
Islamic World Studies Association

فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام  
جمعیت در اسات العالم الاسلامی

۱۲۸

سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۳

بودند، متوسل به این سلاح شد. ارتش عراق چهارمین بار در قرن بیستم بود که از سلاح‌های کشتار جمعی در جنگ، آن‌هم به این گستردگی، استفاده کرد. این در حالی بود که سازمان ملل متحد استفاده از این سلاح‌ها را ممنوع کرده بود.

سیاست‌های آمریکا و شوروی در اوج جنگ سرد در قبال جنگ عراق علیه ایران، مؤید سیاست جانب‌گرایانه و منفعت‌محورانه آن‌هاست. در حالی که ایران با شعار «نه شرقی، نه غربی»، هر دوی آن‌ها را در موقعیتی قرار داد که دست به هر اقدامی بزنند تا ایران را مهار کنند، هر دو قدرت برای اولین بار بعد از جنگ جهانی دوم، به یکدیگر نزدیک شده و حتی دفع خطر ایران به هدف و نفع مشترک بین آن‌ها تبدیل شد و آن‌ها ابزارهای مختلفی را در مجامع بین‌المللی و به‌ویژه شورای امنیت، در این راستا به‌کار بردند. «یکی از دلایل طولانی‌شدن جنگ ایران و عراق برخورد جانب‌دارانه و یک‌طرفه اکثر کشورهای جهان در قبال دو کشور ایران و عراق بود. این برخورد نامتعارف و حمایت‌گرایانه در ابعاد مختلفی جریان یافت که جلوه‌های آن را می‌توان در مواضع سیاسی دوجانبه این کشورها، در محافل بین‌المللی مثل سازمان ملل متحد و شورای امنیت دید. در واقع برخورد غیراصولی با متجاوز و کشور دستخوش تهاجم واقع‌شده در این جنگ، از همان روز اول جنگ و برخورد نادرست شورای امنیت سازمان ملل متحد کاملاً نمود پیدا کرد» (خالوزاده: ۱۳۸۳).

حمله عراق به ایران با اطلاع قبلی آمریکا و شوروی صورت گرفت. این حادثه مقارن با دوران ریاست‌جمهوری کارتر<sup>۱</sup> در آمریکا و لئونید برژنف<sup>۲</sup> (تا ۱۹۸۲) در شوروی آغاز شد و در دوران رونالد ریگان<sup>۳</sup> در آمریکا و در دوران یوری آندروپوف<sup>۴</sup> (۱۹۸۴)، کنستانتین چرننکو<sup>۵</sup> (۱۹۸۵) و میخائیل گورباچف<sup>۶</sup> در شوروی ادامه یافت. سیاست‌مداران هر دو طرف در پی بهره‌برداری به نفع خود بودند؛ چراکه اولاً جنگ در منطقه خلیج فارس جریان داشت که دولت آمریکا، حداقل پس از سال ۱۹۷۱، در آن دارای منافع اساسی بود. ثانیاً سرنوشت جنگ باتوجه به طرف‌های درگیر در آن، برای آمریکا اهمیت زیادی داشت؛ چراکه در یک سوی آن

1. Jimmy Carter
2. Leonid Brezhnev
3. Ronald Reagan
4. Yuri Andropov
5. Constantine Chernenko
6. Mikhail Gorbachev



ایران قرار داشت که به‌رغم اتحاد و دوستی عمیق با آمریکا در سال‌های پیش از انقلاب، پس از این رویداد به دشمن اصلی آمریکا در منطقه مبدل شده بود و در سوی دیگر عراق قرار داشت که به‌ویژه از سال ۱۹۷۲ به‌بعد، نزد افکار عمومی غرب، متحد شوروی در این منطقه محسوب می‌شد و هفده سال با آمریکا رابطه نداشت. ثالثاً جنگ عراق علیه ایران در زمان جنگ سرد به وقوع می‌پیوست و امکان بهره‌برداری ابرقدرت دیگر، برای افزایش نفوذ خود در منطقه و خلیج فارس وجود داشت (تبیان).

موقعی که عراق به ایران تهاجم کرد، سیاست اعلامی آمریکا بی‌طرفی بود؛ درحالی‌که سیاست اعمالی آن هدف دیگری دنبال می‌کرد و دولت این کشور به‌واسطه کشورهای اروپایی و به‌ویژه عربی، از طریق فروش تسلیحات به عراق یاری رساند. پنهان‌کاری تا سال ۱۹۸۲ ادامه یافت. «این سیاست در سال ۱۹۸۲ و پس از اینکه ارتش ایران نیروهای عراقی را وادار به عقب‌نشینی کرد و در موقعیتی تهاجمی قرار گرفت، تغییر یافت. عراق از غرب کمک خواست؛ درحالی‌که آمریکا ترس آن را داشت که فتح عراق توسط ایران منطقه خلیج فارس را بی‌ثبات سازد. ریگان سریعاً دست‌به‌کار شد و شروع به کمک به صدام کرد تا مانع تلاش‌ها برای شکست عراق شود» (ماوسنر، ۲۰۱۱: ۶).

جنگ ایران و عراق بزرگ‌ترین و طولانی‌ترین جنگ بین دولت‌ها پس از جنگ کره (۱۹۵۳) و ویتنام (۱۹۷۵) در نیمه دوم قرن بیستم بود. این جنگ تنها جنگ مدرن است که در آن سلاح‌های شیمیایی به مقیاس گسترده استفاده شد. درنهایت، جنگ تقریباً در جایی که شروع شده بود پایان یافت و به دلیل نداشتن نتیجه مشخص، موجب حمله عراق به کویت پس از مدتی کوتاه، حمله نیروهای ائتلاف به عراق در ۱۹۹۱ و نیز حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ شد. باتوجه‌به اینکه در اکثر اوقات جنگ ایران پیروز میدان بود، آمریکا چاره‌ای جز حمایت از عراق نداشت (رایدل، ۲۰۱۳).

### استراتژی آمریکا در دهه ۱۹۸۰

خلیج فارس به‌عنوان منافع حیاتی آمریکا در دکترین کارتر تعریف شد که براساس آن، برای نخستین بار اعلام شد دسترسی به حوزه‌های نفتی خلیج فارس برای آمریکا ضرورت به حساب

1. Mausner

2. Riedel

می‌آید و دولت، کنگره و مردم آمریکا را توجیه کرد که آمریکا هرگونه تلاشی برای جلوگیری از این دسترسی را حمله به منافع حیاتی ایالات متحده تلقی خواهد کرد (ناجی<sup>۱</sup> و جوان<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱: ۲۱۵) آمریکا با این پیش فرض وارد دهه ۱۹۸۰ شد.

به‌طور کلی، ریگان اهداف سیاست خارجی خود را در برابر اتحاد شوروی به‌لحاظ ایدئولوژیک بیان کرده است. از آنجاکه مانیفست کمونیست اتحاد شوروی درست در نقطه مقابل آمریکا قرار داشت، دولت ریگان رویارویی خود را با شوروی براساس مبارزه گسترده بین نیروهای خیر و شر قرار داده بود. در نظر ریگان، سیستم کمونیستی شوروی نه‌تنها مردم خود را به بردگی گرفته بود، بلکه درصدد حذف آن‌ها در صورت نیاز بود. او از افکار عمومی می‌پرسید که آیا باید در برابر نیروهای تمامیت‌طلب و برانداز در سراسر جهان آرام بود و آیا در مقابل بارانی از سلاح‌های اتمی آتشین که تمدن را نابود می‌کند، باید ساکت نشست. او معتقد بود که نیروهای خیر که آمریکا باشد، در نهایت بر نیروهای شر شوروی پیروز می‌شوند (ریان<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰: ۹۱ تا ۱۲۳). همه اقدامات ریگان واکنشی در برابر اقدامات اتحاد شوروی بود که او آن را «امپراتوری شیطان»<sup>۴</sup> نامیده بود. او با القائنات خود، هدف آمریکا را که توسعه نفوذ در اطراف شوروی از جمله خلیج فارس بود، محقق می‌کرد.

حمله شوروی به افغانستان در آخرین روزهای سال ۱۹۷۹، برای سیاست‌مداران آمریکا ثابت کرد که شوروی در پی دستیابی به منابع نفتی خلیج فارس یا نزدیک شدن به آن است. بدین ترتیب، آن‌ها تلاش کردند جنگجویان افغانی را مجهز کرده تا از سیاست خلیج‌فارسی شوروی جلوگیری کنند. «کمک‌های آمریکا به افغانی‌ها از ۶۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۳ به بیش از ۶۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۷ رسید (جنتلسون<sup>۵</sup>، ۱۹۹۱: ۶۰). این رقم فزاینده نشان‌دهنده عمق نگرانی دولت ریگان از گسترش کمونیسم به خلیج فارس است.

با وقوع انقلاب در ایران، دولت آمریکا که نگران حمله شوروی به ایران یا برقراری پیوند بین کمونیسم و انقلابیان ایرانی بود، سعی در انجام اقداماتی کرد که در صورت انجام‌نشدن آن‌ها، تسلط شوروی را بر کشورهای خلیج فارس و در نتیجه منابع نفتی آن، حتمی تصور کرده

1. Naji
2. Jawan
3. Ryan
4. Evile Empire
5. Jentelson





بود. حمایت از عراق باینکه با شوروی رابطه نزدیکی داشت، انتخاب‌ناپذیر بود که بین بد (حمله عراق به ایران و قدرت‌یابی عراق در جهت تهدید دوستان میانه‌رو آمریکا در منطقه) و بدتر (یعنی تسلط شوروی بر خلیج فارس) صورت می‌گرفت.

### دیپلماسی آمریکا در جنگ عراق برضد ایران

در زمانی که عراق به ایران حمله کرد، طیفی از اهداف متعارض و متناقض را در سیاست خارجی خود تعریف کرده بود که آن‌ها را به مقتضای زمان و مکان، چه در عرصه روابط بین‌دولتی و چه در سازمان‌های بین‌المللی، به‌ویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد، به‌کار برد. برای دیپلماسی آمریکا حمله عراق به ایران فرصت مناسبی بود تا حضور نظامی گسترده خود را در منطقه افزایش دهد. احتمال مسدود شدن تنگه هرمز و آثار مخرب آن بر اقتصاد ایالات متحده و جهان، به‌عنوان پوشش‌هایی برای این مسئله استفاده شدند که به‌سبب آن، بیشتر کشورهای غربی هم با دیپلماسی آمریکا موافقت کرده و موضع آمریکا تقویت شد. براین‌اساس، از ۱۷ مهر ۱۳۵۹ به‌بعد، در مدت سه هفته، تعداد کشتی‌های جنگی آمریکا و متحدانش از ۳۰ فروند به ۶۰ فروند افزایش یافت (امینیان جزی، ۱۳۹۰: ۱۸). این حضور سنگین در خلیج فارس نشان داد که دیپلماسی جهانی آمریکا برای اقناع بازیگران عمده نظام بین‌الملل موفق عمل کرده و آمریکا با یارگیری از آن‌ها، موضع خود را تقویت نموده است. در سال‌های بعد نیز این سیاست تداوم یافت تا نوعی ایران‌هراسی ابتدا در منطقه و در گام دوم در سطح جهان گسترده شود و آمریکا با استفاده از این فرصت، اقدامات خود علیه جمهوری اسلامی ایران را توجیه کرده و مشروع جلوه دهد. موافقت بیشتر کشورهای جهان با این اقدامات حاصل کنش و واکنش دیپلمات‌های باسابقه آمریکا و با کمک دستگاه‌های عظیم رسانه‌ای این کشور در جهان بود؛ به‌طوری‌که بیشتر مردم در کشورهای غربی اقدامات آمریکا را کمک به صلح و امنیت بین‌المللی تعبیر کردند.

### انگیزه‌ها و اهداف

به‌طور کلی، عواملی که در تعیین دیپلماسی آمریکا در قبال حمله عراق به ایران مؤثر بودند، عبارت‌اند از:



انجمن مطالعات جهان اسلام  
Islamic World Studies Association

فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام  
جمعیت در اسات العالم الاسلامی

۱۳۲

سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۳



## از دست دادن متحدی استراتژیک

وقوع انقلاب اسلامی ایران در بحبوحه جنگ سرد، دیپلماسی آمریکا را در محذوریت شدیدی مقابل شوروی قرار داد. ایران بعد از جنگ جهانی دوم، تا ۱۹۷۹، در راستای سیاست سد نفوذ آمریکا، به خوبی در مقابله با کمونیسم استالینی نقش ایفا کرده بود که به یک باره این نقش از بین رفت و دسترسی شوروی به منابع انرژی خاورمیانه که «انبار نفت غرب» محسوب می شد، تسهیل شد. نگاهی به آمار همکاری های دو کشور می تواند مشخص کننده اهمیتی باشد که آمریکا از نظر استراتژیکی برای ایران قائل شده بود. «مخارج نظامی ایران در سال ۱۹۶۳، ۲۹۳ میلیون دلار بود؛ در حالی که این میزان در سال ۱۹۷۷، به ۷ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار رسید. قدرت ایران انعکاسی از قدرت نظامی آمریکا بود» (وایز، ۲۰۱۲: ۳). با خروج ایران از دایره بلوک غرب، خلأ قدرتی در منطقه به وجود آمد که آمریکا با تحریک عراق به جنگ با ایران، غیرمستقیم خواست اقدام به برگرداندن نفوذ سابق خود کند.

## فشار لابی اسرائیل برای همکاری آمریکا با عراق در حمله به ایران

انقلاب اسلامی ایران موجب تقویت موضع اعراب در توازن با اسرائیل شد. دولت های عربی تا ۱۹۸۰، سه بار در سال های ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۲ با اسرائیل جنگیدند که در همه آنها شکست خوردند. دولت تازه تأسیس در ایران که آرمان فلسطین را در رأس اهداف خود قرار داده بود، به یک باره به پدیده ای خطرناک برای اسرائیل تبدیل شد. اما حامیان ثروتمند اسرائیل در آمریکا، سیاستمداران این کشور را در برخورد با ایران، مستقیم و غیرمستقیم تشویق کردند و حتی زیر فشار گذاشتند.

## انتقام از دستگیری کارمندان سفارت آمریکا در تهران

هنگامی که در سال ۱۹۷۹ سفارت آمریکا تسخیر شد، دولت آمریکا به اقدامات متفاوتی دست زد. یکی از این اقدامات حمایت از دشمنان ایران برای ضربه زدن به آن بود. ابراهیم یزدی وزیر خارجه ایران در دولت موقت، درمورد سناریوهای برخورد با آشفتگی وضعیت سیاسی در دوره مسئولیت خود در اسفندماه ۱۳۵۸، پیش بینی کرده بود که عراق به ایران حمله خواهد



کرد (سایت فرارو، ۱۳ آبان ۱۳۹۲). آمریکا از این عامل برای به‌راه‌انداختن تبلیغ علیه دولت جدید ایران استفاده کرد تا افکار عمومی داخل آمریکا را علیه ایران تهییج کند (پرستون مردوخ<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵: ۵۴).

### تحریک به جنگ برای فروش سلاح

با شروع جنگ، بازار پررونقی برای شرکت‌های تسلیحاتی غرب، به‌ویژه فرانسه و آمریکا و بریتانیا، به‌وجود آمد. آمریکا برای تداوم جنگ، وام‌های بلندمدتی به عراق داد و عراق نیز آن را صرف خرید تسلیحات کرد. «در طول ۸ سال، آمریکا حدود ۵ میلیارد دلار کمک اقتصادی به عراق ارائه کرد و متحدان خود را تشویق به ارائه میلیاردها دلار کمک نظامی به عراق کرد. همچنین، آمریکا عراق را به تسلیحات شیمیایی مجهز کرد» (اورست<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳: ۳۱). در طول دهه ۱۹۷۰، ایران بزرگ‌ترین واردکننده سلاح در جهان بود؛ اما در دهه ۱۹۸۰، عراق بود که با خرید ۶۳ میلیارد دلار تسلیحات نظامی بسیار پیشرفته، جانشین ایران شد (اشمیت<sup>۳</sup>، ۱۹۹۱: ۵). درحالی‌که آمریکا به‌طور رسمی اعلام کرده بود در جنگ بی‌طرف است، طبق آمار فقط در سال‌های بین ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۰ دولت‌های بوش و ریگان ۷۷۱ مجوز صادرات تجهیزات نظامی به عراق صادر کردند (گندزایر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳: ۲۳). همچنین، آمریکا سعی کرد تا «نگاه مطلوب‌تر»<sup>۵</sup> دوستان و متحدان این کشور را برای فروش سلاح به عراق جلب کند (بویل<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷).

### جلوگیری از صدور انقلاب ایران

یکی از اهداف انقلاب ایران، صدور آن به کشورهای اسلامی بود. اما این هدف درست در نقطه مقابل منافع آمریکا در منطقه قرار داشت. رونالد ریگان در ابتدای پیروزی خود در انتخابات، تصمیم گرفت «نگذارد تعبیر مسیحایی و آزادی‌بخش ایران از اسلام، موقعیت دوستان میانه‌رو خاورمیانه‌ای آمریکا، یعنی عربستان سعودی، کویت، اردن و مصر را به‌خطر



انجمن مطالعات جهان اسلام

Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۳۴

سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۳

1. Preston Murdoch
2. Everest
3. Schmidt
4. Gendzier
5. Boyle

اندازد» (تیمرمن<sup>۱</sup>، ۱۳۸۲: ۱۹۲). بسیاری از کشورهای جهان، به خصوص کشورهای غربی، خواستار مسلح کردن عراق بودند؛ زیرا این کشور مخالف ایران بود و بنابراین می توانست از گسترش اسلام گرایی انقلابی جلوگیری کند (اشمیت، ۱۹۹۱: ۵).

ترس از تسلط ایران یا صدور انقلاب، به تشکیل شورای همکاری خلیج فارس، با حمایت آمریکا در سال ۱۹۸۱، منجر شد (اشمیت، ۱۹۹۱: ۹). «پنج ماه بعد از آغاز جنگ، رونالد ریگان به ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا رسید. وی علاوه بر ادامه سیاست های پیشین جیمی کارتر، دکترین جدیدی در سیاست خارجی آمریکا اعلام کرد که به دکترین رمبو<sup>۲</sup> شهرت یافت. هدف از سیاست جدید آمریکا در کشورهای جهان سوم، ایجاد موانع فراروی انقلاب های ملی و ممانعت از تحولات مترقیانه و رو به پیشرفت در این کشورها بود و راهکار دستیابی به این هدف، مشغول نمودن کشورهای انقلابی به امور داخلی خود، از طریق ایجاد درگیری های قومی و مذهبی و درگیر ساختن این کشورها با کشورهای همسایه در جنگ های بدون پیروز بود» (تبیان).

### فشار به نظام سیاسی جدید ایران، با هدف سقوط آن یا حداقل شکست آن در جنگ

طاها یاسین رمضان، معاون اول نخست وزیر وقت عراق، در مصاحبه ای اختصاصی با روزنامه الثوره، ارگان رسمی حزب بعث، در اواخر دی ماه سال ۱۳۶۰ (ژانویه سال ۱۹۸۲) گفت: «ما بر این نکته تأکید می کنیم که جنگ به پایان نخواهد رسید، مگر اینکه رژیم حاکم بر ایران به طور کلی منهدم شود؛ زیرا، اختلافات اساسی بر سر چند کیلومتر مربع زمین یا نصف شط العرب نیست. بنابراین، جنگ ما با ایران برخلاف آنچه بعضی خائنان به ملت عرب ادعا می کنند، جنگی مرزی نیست که بتوان آن را به تعویق انداخت، بلکه درحقیقت، جنگ سرنوشت است.» همچنین، وی به روزنامه لو فیگارو<sup>۳</sup> گفته است که جریان جنگ ایران و عراق درواقع، از ماه ژوئن گذشته [تیرماه سال ۱۳۵۹]، زمانی آغاز شد که برژینسکی به اردن سفر کرد و در مرز دو کشور اردن و عراق، با شخص صدام ملاقات نمود و قول داد کاملاً از صدام حسین حمایت کند. همچنین، این موضوع را به مقامات بغداد تفهیم کرد که آمریکا

1. Kenneth R. Timmerman
2. Rambo Doctrine
3. Le Figaro





انجمن مطالعات جهان اسلام  
Islamic World Studies Association

فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام  
جمعیت درآیات العالم الاسلامی

۱۳۶

سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۳

با آرزوی عراق درمورد شطالعرب و احتمالاً برقراری یک جمهوری عربستان در این منطقه [خوزستان] مخالفت نخواهد کرد. سرانجام، تمامی اقدامات به کشاندن عراق به جنگ علیه ایران منجر شد و پیش‌بینی‌ها بر این اساس استوار بود که در صورت پیروزی بغداد، رژیم جمهوری اسلامی از میان می‌رود و دولتی طرف‌دار غرب به‌جای آن به قدرت می‌رسد و در صورت شکست عراق، آمریکا می‌تواند خود را حامی و مدافع ایران معرفی کند (سایت اسلام‌تایمز، ۳۰ شهریور ۱۳۹۰).

نشریه فارین پالیسی اخیراً در گزارشی آورده است که هدف دیپلماسی ریگان در دوره جنگ عراق و ایران، کمک به عراق برای پیروزی بر نیروهای ایرانی بود و دولت ریگان برای پیشبرد این سیاست خود، حاضر بود دست به هر اقدامی بزند. سرهنگ بازنشسته به فارین پالیسی گفته است که مقامات عراقی هرگز به ما نگفتند سلاح شیمیایی را علیه ایران استفاده می‌کنند. آن‌ها اصلاً مجبور به چنین پاسخی نبودند. به‌هر حال ما از قبل، از استفاده تسلیحات شیمیایی برضد نیروهای ایران باخبر بودیم (هریس<sup>۱</sup> و اید<sup>۲</sup>).

به‌طور کلی، در طی جنگ عراق علیه ایران، دیپلماسی آمریکا به‌صورت دوگانه عمل کرده است. «ریگان چنان کمک تسلیحاتی‌ای به صدام کرد که جورج بوش<sup>۳</sup> سال ۲۰۰۳ به همان دلیل، مجبور به حمله به این کشور شد. قبل از سفر رامسفلد به عراق، وزارت امور خارجه آمریکا در ماه فوریه سال ۱۹۸۲ به‌خاطر حفظ رابطه با این کشور، عراق را از فهرست کشورهای که از تروریسم جهانی حمایت می‌کنند، خارج ساخت و از این طریق، راه را برای همکاری با این کشور و کمک به عراق باز کرد. یک ماه بعد از این ماجرا بود که ریگان دستور داد تا سیاست ایالات متحده آمریکا در منطقه بازنگری شود و نتیجه این بازنگری آن بود که آمریکا باید به حمایت از رژیم صدام برخیزد (سایت دویچه‌وله، ۲۰۰۴/۶/۱۲).

ازطرفی، آمریکا درحالی‌که هیچ رابطه رسمی با عراق نداشت، در سال ۱۹۸۲ دونالد رامسفلد<sup>۴</sup> را به‌عنوان فرستاده ویژه ریگان، مخفیانه به عراق فرستاد که در طی آن، کمک‌های بزرگ نظامی آمریکا به عراق سازمان‌دهی شد. حتی رامسفلد کمک کرد تا یکی از متخصصان

1. Harris

2. Aid

3. George Bush

4. Donald Rumsfeld

شیمی این کشور برای کمک به ساختن تسلیحات شیمیایی به عراق برود. این در حالی است که سازمان سیا همان زمان نسبت به قدرت یابی عراق، به ویژه در حوزه سلاح های شیمیایی و نیز استفاده این کشور از آن در جنگ، تقریباً به صورت روزانه، هشدار داده بود. در واقع، هدف آمریکا جلوگیری از صدور انقلاب ایران از طریق خلیج فارس به عربستان و تهدید منابع نفتی آمریکا در این کشور و نیز نگه داشتن شبه نظامیان ایرانی در داخل مرزهای ایران بود (www.dailymail.co.uk). این اقدامات به ویژه استفاده عراق از سلاح های شیمیایی، همه مورد تأیید «جورج شولتز»<sup>۱</sup> وزیر خارجه وقت آمریکا بود (بورگر، ۲۰۰۲).

### دیپلماسی آمریکا در شورای امنیت در جنگ عراق و ایران

آنتونی پارسونز<sup>۲</sup>، آخرین سفیر انگلیس در زمان شاه و سفیر وقت این کشور در سازمان ملل متحد، در مورد تمایل آن زمان شورای امنیت اظهار داشت که در شورا هیچ کس در ذهن خود شک نداشت که عراق دست به یک تهاجم گسترده در عمق خاک ایران زده است. ولی اضافه می کند که «هیچ کس مایل به پیروزی ایران انقلابی، این برهم زننده وضع موجود در منطقه، نبود» (خالوزاده، ۱۳۸۳).

در دهه ۱۹۸۰، حمایت مشترک آمریکا و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از عراق در جنگ مقابل ایران، در ابعاد مختلف سیاسی و نظامی و اقتصادی، نشان دهنده تلاش های گسترده برای مقابله با چالش ظهور بازیگری جدید به نام ایران بود. بنابراین، همکاری و سیاست مشترک آمریکا و کشورهای جنوب خلیج فارس، در راستای منافع و اهداف مشترک آنها برای تضعیف قدرت ایران و عراق، از طریق تداوم جنگ بین دو کشور قرار داشت. این همکاری ها در اواخر جنگ و در بحبوحه نبرد نفتکش ها، به مقابله مستقیم با ایران معطوف شد (واعظی، ۱۳۸۹: ۱۹).

در همان روز حمله عراق به ایران، شورای امنیت سازمان ملل با درخواست دبیرکل، باتوجه به خطر گسترش جنگ تشکیل جلسه داد؛ اما در نهایت، شورا با صدور بیانیه ای از طرفین خواست اقدام نظامی را کنار بگذارند و به روش های صلح آمیز اختلافات خود را حل

1. George Schultz
2. Borger
3. Antony Parsons

کنند (برزگر، ۱۳۷۹: ۸۸). در ۲۸ سپتامبر، شورا با صدور قطعنامه ۴۷۹ با عنوان «وضعیت میان ایران و عراق»، صرفاً از طرف‌های مخاصمه خواست که فوراً از کاربرد بیشتر زور خودداری کنند و اختلافات خود را به گونه‌ای مسالمت‌آمیز حل کنند. شورا زمانی قطعنامه را صادر کرد که ارتش عراق در عمق خاک ایران بود و تجویز شورا عراق را نگران نکرد؛ زیرا از طرفین درخواست نشد که به مرزهای بین‌المللی برگردند.

پس از آن، شورا به مدت ۲۲ ماه عملاً هیچ اقدامی انجام نداد. اما قطعنامه‌های بعدی عبارت‌اند از: جولای ۱۹۸۲ قطعنامه دوم یعنی ۵۱۴ و در اکتبر همان سال قطعنامه سوم (۵۲۲) پس از فتح خرمشهر؛ در ۳۱ اکتبر ۱۹۸۳ قطعنامه چهارم (۵۴۰)؛ قطعنامه پنجم در ژوئن ۱۹۸۴؛ قطعنامه ششم (۵۸۲) در ۲۴ فوریه ۱۹۸۶؛ در اکتبر همان سال قطعنامه هفتم (۵۸۸). در همه این قطعنامه‌ها از عنوان «وضعیت میان ایران و عراق» ابراز نگرانی شده و از طرفین خواسته شد که از کاربرد زور جلوگیری کنند. اما با تصرف بندر فاو به دست نیروهای ایرانی، شورا با نگرانی از پیروزی ایران و تغییر موازنه بین دو طرف، اقدام به صدور قطعنامه هشتم به شماره ۵۹۸ در ۲۰ ژوئیه سال ۱۹۸۷ (۲۹ تیر ۶۶) کرد. در این قطعنامه، شورا با استناد به مواد ۳۹ و ۴۰ منشور «نقض صلح» میان طرفین مخاصمه را شناسایی کرد (زمانی، ۱۳۷۶: ۱۷۵).

آمریکا با مشاهده و اطمینان به تضعیف هر دو طرف جنگ بالاخره راضی به صدور قطعنامه ۵۹۸ شد. جورج شولتز، وزیر خارجه این کشور، درمورد قطعنامه گفت: «دولت من مصمم است که این قطعنامه اجبارآمیز به یک تلاش بیهوده و اقدامی تردیدآمیز در تأثیر سازمان ملل به عنوان سازمانی برای صلح منجر نشود» (لویز، ۱۹۸۷). آمریکا می‌توانست این تلاش خیرخواهانه را در اول جنگ نیز انجام دهد و از تبدیل شدن آن به یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های قرن بیستم جلوگیری کند.

سیاست آمریکا تنها پس از آن متعادل شد که جنگ پیچیده طرفین به فرسودگی گرایید و اتحاد شوروی اقدام به اتخاذ سیاست خارجی جدیدی کرد که درنهایت، راه برای شورای امنیت با هدف وادارکردن طرفین به حل و فصل اختلافات و پیشگیری از برنده شدن هر دو طرف باز کرد و در نتیجه توازن قوا را به منطقه بازگردانید (ویلکینسون<sup>۲</sup> و سولیوان<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴).

1. Lewis

2. Wilkinson

3. Sullivan

پس از صدور قطعنامه هشتم (۵۹۸) با ادامه جنگ و تمایل عراق به خاتمه جنگ در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۷، قطعنامه نهم (۶۱۲) شورای امنیت صادر شد که در آن کاربرد سلاح‌های شیمیایی توسط عراق تأیید شد و اجرای فوری مفاد «پروتکل ممنوعیت استفاده از گازهای شیمیایی و محکومیت کاربرد آن‌ها» مورد توجه و تأکید قرار گرفته بود. در اوایل سال ۱۳۶۷، پس از ناامیدی سازمان‌های جهانی از توقف پیشرفت‌های میدانی ایران و نگرانی از شکست آمریکا در تئوری جنگ بدون برنده ایران و عراق، ارتش آمریکا مستقر در خلیج فارس، دست به تحرکات وسیعی علیه ایران زد که مهم‌ترین آن‌ها در تیرماه سال ۶۷ بود (پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، ۱۳۸۶). به‌طور کلی، قطعنامه‌هایی که در مورد جنگ دو کشور از کانال شورای امنیت صادر شد، به‌وضوح به نفع عراق بودند (بویل، ۲۰۰۷).

### حمله عراق به کویت و دیپلماسی آمریکا

عراق در پایان جنگ خود با ایران ادعا کرد به پیروزی دست یافته است و بنابراین مستحق رهبری جهان عرب است. اما ادعای عراق در پیروزی و گرفتن قلمرو جدید توخالی بود. ارتش این کشور پس از جنگی نابودکننده فرسوده شده و اقتصاد این کشور نابود شد. تخمین زده می‌شود جنگ عراق با ایران، ۸۰ میلیارد دلار بدهی به این کشور تحمیل کرد که ۴۰ میلیارد دلار آن به کشورهای حوزه خلیج فارس اختصاص داشت و عراق تصور می‌کرد اعراب نباید خواستار بازپرداخت طلب‌های خود شوند (گاوز، ۲۰۰۱: ۹).

### اقدامات آمریکا در روابط خارجی

آوریل گلاسپی<sup>۲</sup>، سفیر آمریکا در بغداد در زمان حمله به عراق، معتقد است روابط آمریکا و عراق از سال ۱۹۸۶ که تنها پس از سه سال از برقراری رسمی روابط سیاسی دو کشور می‌گذشت، تیره شد. او علت این تیرگی را قضیه «ایران‌گیت»<sup>۳</sup> و ناراحتی عراق از آمریکا می‌داند (نیویورک تایمز، ۱۹۹۱/۲/۱۷). بلافاصله پس از تهاجم به کویت، جورج بوش آن را

1. Boyle
2. Gause
3. April Glaspie
4. Irangate Scandal



محکوم کرد و دیپلماسی‌ای را به کارگرفت که بیشتر کشورها اگرچه به صورت نمادین، برای متحدشدن با آمریکا مسابقه گذاشتند.

عواملی که بر حمایت همه‌جانبه سیاست آمریکا از کویت و حمله به عراق تأثیرگذار بود، عبارت‌اند از:

### افول شدید قدرت شوروی

موقعی که کویت اشغال شد، شوروی در همان روز با صدور قطعنامه‌ای که مطلقاً برضد عراق بود و بعداً در قطعنامه‌های دیگر، موافقت کرد. این اقدام جهشی تاریخی در سیاست خارجی شوروی از سال ۱۹۴۵ به این سو و همکاری آن با سیاست‌های آمریکا را نشان داد (اشممان<sup>۱</sup>، ۱۹۹۱). اگرچه علت اصلی این اقدام شوروی و دلایل «تفکرات جدید» گورباچف در آن زمان آشکار نشد (فولر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۱). برای آمریکا همکاری اتحاد شوروی در ایجاد «سپر صحرا» کلیدی بود (گلاسر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵). هرچند شوروی اقدام آمریکا را نقض حقوق بین‌الملل خواند، واقعیت نشان داده بود که در صورت توانایی، می‌خواست طور دیگری رفتار کند؛ با توجه به اینکه در سابقه تاریخی خود، شوروی از دست‌یازیدن به اقدامات تعارضی با غرب هیچ شکی به خود راه نمی‌داد. مثلاً حمله به مجارستان و سرکوب آزادی‌خواهان آن در سال ۱۹۵۶، خود اقدامی تجاوزکارانه و نقض‌کننده حقوق بین‌الملل بود. این مسئله ماهیتی اتفاقی نداشت و بر اثر فرایند تضعیف شوروی و ناتوانی آن به ادامه تعارض درمقابل غرب صورت گرفت. زیرا شوروی از سال ۱۹۸۸ وارد دوره فروپاشی شده و جمهوری‌های خود را تقریباً به حال خود گذاشته بود. درنهایت، با اقدام آمریکا موافقت کرد که تنها ۳۰۰ کیلومتر با مرزهای حاکمیتی این کشور فاصله داشت.

### حمله موشکی عراق به اسرائیل و احساس خطر

از ۱۸ ژانویه تا ۲۸ فوریه ۱۹۹۱، عراق ۱۸ بار اسرائیل را با موشک‌های اسکاد روسی مورد هدف قرار داد. جمعاً ۳۹ موشک به اسرائیل شلیک شد. علاوه بر حمله به اسرائیل، جمعاً ۳۷



فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۴۰

سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۳

1. Schmemann

2. Fuller

3. Glaser

موشک به عربستان، یک موشک به بحرین و یک موشک به قطر شلیک کرد که در جنگ ائتلاف برضد عراق شرکت داشتند (دیدبان حقوق بشر، ۱۹۹۱). شلیک این موشک‌ها به کشورهای هم‌پیمان آمریکا و به‌ویژه اسرائیل، زنگ خطر را برای سیاست خارجی آمریکا به صدا درآورد که اگر توانایی نظامی عراق مهار نشود، امنیت کل منطقه خاورمیانه و به‌ویژه اسرائیل در خطر است و بنابراین، حمله به کشورهای متحد آمریکا توسط عراق، آمریکا را مصمم‌تر کرد.

### تضعیف ارتش قدرتمند عراق

ارتش قدرتمند عراق مجهز به موشک‌های اسکاد «تموز ۱»<sup>۲</sup> بود که توانایی ضربه‌زدن به اهداف را در ۲۰۰۰ کیلومتری خود داشت (NTI, 2008:176). همچنین به نقل از طارق عزیز، وزیر خارجه سابق عراق، این کشور هنوز پس از هشت سال جنگ با ایران، موقعی که به کویت حمله کرد، دارای پرسنل نظامی به‌استعداد ۳۵۰ تا ۴۰۰ هزار نفر بود (www.pbs.org). توانایی عراق که در سیاست‌های غرب‌گرایانه خود چرخش کامل انجام داده بود، متحدان سابق این کشور را که خود عراق را مسلح کرده بودند، به شدت نگران کرد؛ زیرا امنیت اسرائیل و کشورهای عربی میانه‌رو و نیز پایگاه‌های نظامی آمریکایی در منطقه، در دسترس موشک‌ها و نیروهای عراقی قرار داشت.

### جای پای محکم برای آینده در خلیج فارس، به‌خصوص در حوزه انرژی

اقدامات آمریکا نشان داد که این کشور هیچ‌گونه تهدید به منافع ملی و ثبات سیاسی منطقه‌ای و عرضه مستمر نفت را تحمل نمی‌کند. با ضمیمه کویت، عراق می‌توانست ۲۰ درصد ذخایر نفتی جهان را در اختیار بگیرد که مهم‌ترین کالا در کشورهای صنعتی بود. همچنین با این اقدام، عراق بر تصمیم‌گیری‌های سازمان اوپک تسلط پیدا می‌کرد. تحلیلگران از این مسئله بیم داشتند که عراق عربستان را به افزایش قیمت نفت مجبور کند و موجب تلاطم در بازارهای نفت جهان و رکود فاجعه‌بار در کشورهای شمال شود. باتوجه به این مسئله، منافع آمریکا

1. Human Right Watch

2. Tammuz 1

در جنگ خلیج فارس در مرحله اول اقتصادی بود. توماس فریدمن<sup>۱</sup> اعتقاد دارد که آمریکا نیروهایش را برای محافظت از پایه‌های دموکراسی به صحرای عربستان نفرستاد. مطمئناً سیاست آمریکا تأمین امنیت سیستم‌های فئودالیستی مانند عربستان نیز نبود. بلکه مسئله پول بود و سیاست آمریکا حفاظت از دولت‌هایی بود که از قیمت‌های نفت محافظت می‌کردند (بیلیس<sup>۲</sup> و اُون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸: ۲).

### ایجاد نظم نوین جهانی

فروپاشی شوروی خلاً بزرگی در سیستم امنیت جهان به وجود آورد و باتوجه به نظریه ثبات هژمونیک، آمریکا نه تنها خلاً ناشی از غیبت شوروی در نظام بین‌الملل را باید پر می‌کرد، بلکه باید برتری و هژمونی خود را بر جهان گسترش می‌داد. براین اساس، آمریکا باید موانع موجود در راه تحقق هدف را رفع می‌کرد. حمله عراق به کویت دهن کجی به سیستم مدنظر آمریکا بود. در این مورد، ایالات متحده در نظر داشت سیستم بین‌المللی امنیت دسته‌جمعی را تا آنجا فعال سازد که هیچ‌یک از اعضای سازمان ملل توسط عضو دیگری تهدید نشود. این قضیه در مفهوم «نظم نوین جهانی» بوش و منشور سازمان ملل مطرح شده است (مردوخ، ۱۹۹۵: ۸). این نظامی است که در آن، ایالات متحده بدون هیچ مانعی نقش پلیس جهانی را اجرا می‌کند. آمریکا پس از مختومه شدن جنگ سرد، بیش از هر نقطه‌ای در جهان قدرت خود را در خاورمیانه متمرکز کرد. خاورمیانه، علاوه بر تأمین منافع اقتصادی، به‌ویژه نفت، از نظر استراتژی دربردارنده دو نقطه قدرت موازی و متضاد باهم نیز بود؛ ایران تنها قدرت نظامی متکی به خود در خلیج فارس و اسرائیل سمپات درجه اول آمریکا محسوب می‌شد. از این رو، آمریکایی‌ها خود را عامل اصلی امنیت در منطقه می‌دانستند و در این راستا بود که در فاصله دوازده سال، دو جنگ ویرانگر را در مسیر نظم نوین خود در یک منطقه به راه انداختند. جوزف نای<sup>۴</sup> می‌گوید: سه انگیزه اصلی برای آمریکا در خلیج فارس وجود دارد: نفت، نظم، اسلحه. انرژی مورد نیاز آمریکا ۴۰ درصد از نفت تأمین می‌شود که یک چهارم این مقدار از



انجمن مطالعات جهان اسلام

Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۴۲

سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۳

1. Thomas Friedman

2. Baylis

3. Owens

4. Joseph Nye

خلیج فارس است. از میان این سه انگیزه آنچه کمتر قابل لمس است، نظم و امنیت جورج بوش است (آزادپور، ۱۳۸۲).

### دیپلماسی آمریکا در شورای امنیت در جنگ عراق و کویت

در دوره جنگ سرد، در مواردی که منافع ملی و امنیتی شوروی مطرح بود، صدور قطعنامه امکان‌پذیر نبود؛ اما در دوم آگوست ۱۹۹۱، به فاصله چند ساعت پس از اشغال کویت توسط عراق، شورای امنیت در نشستی اضطراری قطعنامه ۶۶۰ را تصویب کرد که در آن ضمن محکوم کردن عراق، از این کشور خواسته شد به سرعت از کویت خارج شود (برزگر، ۱۳۷۹: ۱۵۲). نخستین اقدامی که جورج بوش پدر در عرصه دیپلماسی انجام داد، به وجود آوردن یک ائتلاف بین‌المللی بود. او در همان روز به سفیر خود در سازمان ملل دستور داد یک جلسه اضطراری در شورای امنیت تشکیل دهد و اقدام عراق را محکوم کند. به فاصله تنها چهار روز از حمله عراق، تحریم‌های گسترده علیه عراق به تصویب سازمان ملل رسید. جورج بوش می‌توانست با فشار به صدام قبل از حمله عراق به کویت، مانع از جنگ شود؛ اما اقدامات او در هفته‌های اول قبل از حمله ائتلاف به عراق، نشان‌دادن دیپلماسی زورمدارانه نبود (آلترمن، ۲۰۰۳: ۲۷۹). آمریکا برای اینکه کار عراق را یکسره کند، سعی کرد افکار عمومی جهان را برای برخورد با عراق آماده کند.

«علی‌رغم تأخیرات بسیار سؤال‌برانگیز شورای امنیت در پرداختن به جنگ عراق علیه ایران در طول ۸ سال درگیری، شورا در جنگ کویت در طول فقط ۴ ماه اقدام به صدور ۱۲ قطعنامه کرد که از لحاظ قاطعیت، تسلسل، سرعت و تأثیرگذاری، از تاریخ تأسیس سازمان ملل متحد بی‌سابقه بوده است. در جنگ کویت، در طول ۸ ماه ۳۷ قطعنامه علیه عراق صادر شد؛ در صورتی که در جنگ ایران، در طول ۸ سال فقط ۱۰ قطعنامه صادر شد که غیر از قطعنامه ۵۹۸، در سایر قطعنامه‌ها جنگ فوق وضعیت بین ایران و عراق نامیده شده است و نه جنگ ایران و عراق که از نظر حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد بسیار مهم است. در جنگ کویت، اقدامات شورا با توجه به مراحل و تحولات بحران و متناسب با شرایط زمانی و براساس رفتار عراق صورت گرفت و شورا در هر موضوعی با تصویب قطعنامه‌ای، به مقابله عملی با عراق



انجمن مطالعات جهان اسلام  
Islamic World Studies Association  
جمعية دراسات العالم الاسلامی  
فصلنامه علمی-پژوهشی  
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۴۳

نظریاتی  
تطبیقی  
دیپلماسی آمریکا در...

رفت و در قطعنامه ۶۷۸ (مصوب ۲۹ نوامبر ۱۹۹۰)، تا ۱۵ ژانویه ۱۹۹۱ به عراق مهلت داد که خاک کویت را تخلیه نماید و در غیراین صورت، اعضا را مجاز می‌دارد تا از همه وسایل ممکن (نیروی نظامی) برای اجرای قطعنامه شورا استفاده نمایند. نوع، ماهیت، قاطعیت، الزام‌آور بودن قطعنامه‌های جنگ کویت، به هیچ وجه قابل مقایسه با جنگ ایران نیست و این در حالی است که آغازگر هر دوی این جنگ‌ها یک کشور، عراق، بوده است. وانگهی، فاصله قطعنامه‌های جنگ کویت بیش از چند روز نیست؛ ولی در جنگ ایران تا ۲۲ ماه فاصله وجود دارد (خالوزاده: ۱۳۸۳). این قطعنامه‌ها نشان دیپلماسی طرف‌دارانه آمریکا در قبال دو جنگ است که در اولی از عراق و در دومی از کویت حمایت می‌کرد.

عدم قاطعیت سازمان ملل و به‌ویژه شورای امنیت در مورد حمله عراق به ایران در سال ۱۹۸۰، باعث شد مقامات عراقی دچار محاسبه استراتژیکی شوند که حمله به کویت نیز با بی‌اعتنایی سازمان مواجه خواهد شد. همچنین، صدام حسین در ماه‌های پیش از حمله به کویت، سیگنال‌های مبهم و گیج‌کننده از مقامات غربی دریافت کرده بود (ویلکینسون و سولیوان، ۲۰۰۴). اما صدام نمی‌توانست درک کند که وضعیت عراق در سال ۱۹۸۰ با موقعیت عراق در ۱۹۸۸ به کلی فرق کرده است. منافع آمریکا نیز متناسب با تغییرات زمانی دچار تحول شده بود.



انجمن مطالعات جهان اسلام

Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۴۴

سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۳

## نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد در باب سیاست آمریکا در منطقه باید با یک دید کلان نگریست. مهار ایران انقلابی در سال‌های جنگ با عراق و نیز مهار عراق در جنگ کویت، بنا بر منطقی است که رابرت گیتس، وزیر دفاع پیشین آمریکا، آن را «پخش طاعون در خانه هر دو طرف» (<http://academic.brooklyn.cuny.edu>) نامیده است. حمایت از عراق با نشان دادن چراغ سبز آمریکا با وجود نداشتن رابطه رسمی با دولت عراق و برعکس حمله آمریکا به عراق، پس از تسخیر کویت توسط ارتش مستهلک این کشور، ثابت می‌کند که دیپلماسی آمریکا به قول توماس فریدمن حول محور «پول و حفاظت از دولت‌های پول‌ساز برای آمریکا» بوده است. اما حمایت از عراق در جنگ با ایران، درس عبرتی برای آمریکا شد که هرچند ایران با سیاست‌های توسعه‌طلبانه این کشور مخالف است، می‌توان به ایران بیشتر اعتماد کرد تا رژیم‌های اقتدارگرای مستقر در اکثر کشورهای منطقه خلیج فارس.

در چارچوب مبنای نظری، باید گفت که اقدامات آمریکا چه در روابط خارجی خود و چه در شورای امنیت در هنگام شروع جنگ عراق علیه ایران، باعث حریص‌تر شدن مقامات عراقی برای حمله به کویت شد. اما واقعیت این است که هم جنگ عراق علیه ایران و هم جنگ عراق علیه کویت، پیامدهای جبران‌ناپذیری برای منطقه داشت و موجب مشروعیت‌بخشی به حضور بیگانگان در خاورمیانه شد. هرچند در طول دو دوره مقامات این کشور اشتباهاتی رقم زدند، برنامه‌ریزی بلندمدت این کشور باعث باز شدن پای آن در منطقه خلیج فارس تا به امروز شده است. سیاست‌های تقابلی مقامات کشورهای منطقه هم در موفقیت آمریکا در دیپلماسی خلیج فارسی خود تأثیر بسیار مثبتی داشته است.

سیاست جهانی آمریکا بعد از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، حول محور ایران‌هراسی در بین کشورهای منطقه و در نتیجه حضور درازمدت آمریکا در منطقه بوده است. حتی تأسیس شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱، به تأسی از سیاست نظم جهانی آمریکا بود که اعراب میانه‌رو با وجود اختلافات زیاد دور هم جمع شدند تا منافع آمریکا را بهتر تأمین کنند و از بار مالی حضور سنگین حامی خود در منطقه کاسته شود. وقایع بعدی، از جمله حمله عراق به کویت و نیز حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، به دیپلماسی خلیج فارسی آمریکا کمک کرد تا به مثابه تنها منجی استقلال کشورهای کوچک در خاورمیانه و خلیج فارس، ظاهر



شود. به نظر می‌رسد آمریکا در ترساندن دولت‌های منطقه از انقلاب اسلامی، به اهداف خود رسیده است. قراردادهای حمایتی این دولت‌ها با آمریکا بیانگر این حقیقت است. فروش سلاح توسط شرکت‌های آمریکایی باعث شده است صنایع سنگین نظامی این کشور، به‌رغم بحران‌های سنگین اقتصادی، در دوره حیات جمهوری اسلامی ایران به حیات خود ادامه دهند. اما آمریکا در اقناع ملت‌های منطقه شکست خورده است و بدین سبب، از رژیم‌های اقتدارطلب خلیج فارس و خاورمیانه که دشمنی ذاتی با نظام انقلابی ایران دارند، حمایت می‌کند و آن‌ها را کلید اصلی ماندگاری خود در منطقه و آن‌هم با کمترین هزینه می‌داند.



فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۴۶

سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۳



## کتابنامه

برزگر، علیرضا (۱۳۷۹)، روزشمار جنگ تحمیلی عراق با جمهوری اسلامی ایران، تهران: سروش.  
 خالوزاده، سعید (۱۳۸۳)، «عملکرد شورای امنیت در قبال دو جنگ»، ماهنامه همشهری دیپلماتیک، ش ۲۲.  
 تیمرن، کنت آر (۱۳۸۲)، ناگفته‌های جنگ عراق با ایران؛ سوداگری مرگ، ترجمه احمد تدین، چ ۳، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.

آزادپور، رضا (۱۳۸۲)، «نظم نوین جهانی؛ یک فرایند در دو قاره»، مجله پگاه حوزه، ش ۱۲۲.  
 امینیان جزی، بهادر و دیگران (۱۳۹۰)، «تحلیل تئوریک جایگاه انواع دیپلماسی اجبارآمیز در سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران (براساس تئوری سازه‌نگاری)»، پژوهشنامه علوم سیاسی، س ۸، ش ۱، ص ۳۷ تا ۷۳.

زمانی، سید قاسم (۱۳۷۶)، «تاملی بر مواضع شورای امنیت در قبال تجاوز عراق به کویت و ایران»، مجله سیاست دفاعی، ش ۲۰ تا ۲۱، ص ۱۶۵ تا ۱۹۴.  
 واعظی، محمود (۱۳۸۹)، «نقش قدرت‌های بزرگ در منطقه خلیج فارس و چالش‌های هژمونی آمریکا»، فصلنامه روابط خارجی، س ۲، ش ۶، ص ۴۷ تا ۷۴.  
 سایت اسلام تایمز (۳۰ شهریور ۱۳۹۰)، «عراق و آمریکا در جنگ تحمیلی؛ پیوستگی هدف و همسویی عملکرد»، دسترسی در:

[www.islamtimes.org/vdchixnxxk23nv6d.tft2.txt](http://www.islamtimes.org/vdchixnxxk23nv6d.tft2.txt)

مرکز اسناد انقلاب اسلامی:

[www.irdc.ir/fa/calendar/2/default.aspx](http://www.irdc.ir/fa/calendar/2/default.aspx)

پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس (۱۹/۷/۱۳۸۶)، «قطعه‌نامه‌های سازمان ملل در خصوص جنگ تحمیلی»، دسترسی در:

[www.sabokbalan.com/newsagency/inter.php?nid=944](http://www.sabokbalan.com/newsagency/inter.php?nid=944)

سایت دویچه‌وله، (۱۲/۶/۲۰۰۴)، «نقش رونالد ریگان در جنگ ایران و عراق»، دویچه‌وله، دسترسی در: [www.dw.de/a-2404403](http://www.dw.de/a-2404403)

سایت فرارو (۱۳/۸/۱۳۹۲)، «ابراهیم یزدی: حمله عراق به ایران را در اسفند ۵۸ پیش‌بینی کردیم»، دسترسی در:

[fararu.com/fa/news/167873](http://fararu.com/fa/news/167873)

A.Boyle, Francis (2007), »US Foreign Policy and the Iran-Iraq War«, Global Research website, available at: <http://www.globalresearch.ca/us-foreign-policy-and-the-iran-iraq-war>



فصلنامه علمی-پژوهشی  
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

- A.Lewis, Neil (1987), »Security council demands a truce in Iran-Iraq war«, the New York Times, July 21 1987, available at: <http://www.nytimes.com/1987/07/21/world/security-council-demands-a-truce-in-iran-iraq-war.html>
- Alterman, Jon B. (2003), »Coercive Diplomacy against Iraq, 1990–98«, in The United States and Coercive Diplomacy, edited by Robert J. Art and Patrick M. Cronin, Washington D.C.: United States Institute of Peace Press
- Baylis, Smith & Owens, (2008), »IR Theory in Practice Case Study: The Gulf War, 1990-1991«, Oxford Higher Education, Oxford University Press, available at: [www.ualberta.ca/~raitken/documents/gulfwar01\\_realism.pdf](http://www.ualberta.ca/~raitken/documents/gulfwar01_realism.pdf)
- Borger, Julian (2002), »Rumsfeld 'offered help to Saddam'«, The Guardian, available at: <http://www.theguardian.com/world/2002/dec/31/iraq.politics>
- E. Fuller, Graham (1991), »Moscow and the Gulf War«, available at: <http://www.foreignaffairs.com/articles/46856/graham-e-fuller/moscow-and-the-gulf-war>
- Everest, Larry, (2003), »1980-1988, Iran-Iraq: Helping Both Sides Lose the War«, Press for Conversion, Issue # 51, pp 50-51.
- Gause, F. Gregory(2001), »Iraq and the Gulf War: Decision-Making in Baghdad«, University of Vermont.
- Gendzier, Irene, (2003), »Oil, Iraq and US foreign policy in the Middle East«, in Situation Analysis, Issue 2, ISSN 1478-2014 (print), pp18-28. available at: [manghani.free.fr/sa/issue2/gendzier.pdf](http://manghani.free.fr/sa/issue2/gendzier.pdf)
- Glaser, Tanya (2005), »The Gulf Crisis: Failure of Preventive Diplomacy«, available at: <http://www.colorado.edu/conflict/peace/example/gulf7307.htm>
- Harris, Shane & Matthew, M.Aid, »CIA Files Prove America Helped Saddam as He Gassed Iran«, Foreign Policy, 26 Aug 2013 , available at: [http://www.foreignpolicy.com/articles/2013/08/25/secret\\_cia\\_files\\_prove\\_america\\_helped\\_saddam\\_as\\_he\\_gassed\\_iran](http://www.foreignpolicy.com/articles/2013/08/25/secret_cia_files_prove_america_helped_saddam_as_he_gassed_iran)
- Human Right Watch (1991) »Part 3:Iraq's Missile Attacks Against Israel and The Gulf States«, Human Right Watch website, available at: [www.hrw.org/reports/1991/gulfwar/CHAP6.htm](http://www.hrw.org/reports/1991/gulfwar/CHAP6.htm)
- Mausner, Adam & others ,(2011), »US and Iranian Strategic Competition: Competition in Iraq«, CSIS website, available at: [https://csis.org/files/publication/110927\\_Iran\\_Chapter\\_6\\_Iraq.pdf](https://csis.org/files/publication/110927_Iran_Chapter_6_Iraq.pdf)
- Naji, Saeid & A. Jawan, Jayum (2011), »Role of the Persian Gulf's Oil in the US Geopolitical Codes during the Cold War Geopolitical Order«, International Journal of Humanities and Social Science, Vol. 1, No. 5, pp 206-220.



فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۱۴۸

سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۳

New York Times, 1991/02/17, available at:

<http://www.nytimes.com/1991/02/17/world/war-in-the-gulf-soviet-union-moscow-tempers-its-satisfaction-at-baghdad-offer.html>

NTI (2008), »Iraq Missile Chronology, UN Security Council, «Iraq (UNMOVIC)«, Security Council Report, Update Report No. 10, available at: [http://www.nti.org/media/pdfs/iraq\\_missile.pdf?\\_ = 1316466791](http://www.nti.org/media/pdfs/iraq_missile.pdf?_ = 1316466791)

Preston Murdoch, Christopher, (1995), »The Persian Gulf Hostages: A Case Study in Terrorism, Diplomacy and Strategy«, in Full Fulfilment of The MA Paper, United States Navy, available at: <http://www.hsdl.org/?view&did=438962>

Riedel, Bruce (2013), »Lessons from America's First War with Iran«, Brookings Institution, available at: <http://www.brookings.edu/research/articles/2013/05/lessons-america-first-war-iran-riedel>

Ryan, Ciaran John (2010), »The Reagan Doctrine: An Analysis of the President's role in the formulation and execution of American Foreign Policy vis-à-vis the Soviet Union«, 1981-1989, For the Award of a PhD, University of Southern Queensland.

Schmidt, Rachel (1991), »Global Arms Exports to Iraq 1960-1990«, Rand, Santa Monica. The New York Times, September 23, 1990, available at: <http://rense.com/general69/41.htm>

Wilkinson, M.James & D.O'Sullivan, Christopher (2004), »The UN Security Council & Iraq«, American Diplomacy, available at: [http://www.unc.edu/depts/diplomat/archives\\_roll/2004\\_01-03/wilkinosull\\_unsec/wilkinosull\\_unsec.html](http://www.unc.edu/depts/diplomat/archives_roll/2004_01-03/wilkinosull_unsec/wilkinosull_unsec.html)

Wise, Krysta, (2012), »Islamic Revolution of 1979: The Downfall of American-Iranian Relations«, Southern Illinois University Carbondale, Legacy, Vol. 11: Iss. 1, Article 2.

Schmemmann, Serge, (1991), »War in the Gulf: Soviet Union; Moscow Tempers Its Satisfaction at Baghdad Offer«, The New York Times, 17 February 1991, available at:

W.Jentelson, Bruce (1991), »The Reagan Administration and Coercive Diplomacy: Restraining More Than Remaking Governments«, in Political Science Quarterly, edited by The Academy of Political Science, Vol. 106, No. 1, pp 57-82.

<http://academic.brooklyn.cuny.edu/history/johnson/iraqcase.htm>

<http://www.brookings.edu/research/articles/2013/05/lessons-america-first-war-iran-riedel>

<http://www.dailymail.co.uk/news/article-153210/Rumsfeld-helped-Iraq-chemical-weapons.html#top>

<http://www.pbs.org/wgbh/pages/frontline/gulf/oral/aziz/1.html>

به این مقاله این گونه استناد کنید:

معین آبادی بیدگلی، حسین؛ صدری علی بابالو، صیاد (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی دیپلماسی آمریکا در قبال جنگ عراق علیه ایران و کویت»، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۴، ش ۲، تابستان، ص ص ۱۲۵ - ۱۵۰.



فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۱۵۰

سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۳